

برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج براساس نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد)

شهلا باقری^۱، جواد مداحی^{۲*}، طاهره لطفی خاچکی^۳

چکیده

تجرد، بالا رفتن سن ازدواج و خیل عظیم دختران مجرد بالای ۳۰ سال، آمار بالای تحصیل کرده‌های مجرد و گفتمان عمومی جامعه در رابطه با کاهش شدید ازدواج به نظر می‌رسد پژوهش‌گران و اندیشمندان را مجاب کرده باشد تا این موضوع را مسئله‌ای اجتماعی بدانند. هدف پژوهش حاضر کشف معنا و علت‌های بالا رفتن سن و تأخیر ازدواج در میان دختران است. در بخش روش‌شناسی، از روش‌شناسی کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای استفاده شد. تعداد ۳۳ دانشجوی دختر به صورت هدفمند به مدت بیش از یک سال بررسی شدند. پانزده مقوله اصلی و یک مقوله هسته از خلال کدگذاری داده‌ها استخراج شد: تحصیلات و بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، ادامه تحصیل مشغولیتی بازدارنده، تجربه رابطه با دیگری مهم، واکاوی شکست دیگران (خاطرات منفی)، ترس از طلاق، اعتمادناپذیری و متعهدنبودن مردان، محدودیت شغلی و جبر تحصیلی، سرزنش، تحقیر و اعمال فشار بر دختران مجرد، تحکم و نادیده‌انگاری نظر دختر، انگیزه‌های دوران مجرد، دوران رهایی و مسئولیت‌ناپذیری، جهاز، بازتولید فرهنگی مشقت‌بار، درآمد و تمکن مالی عاملی مهم برای تشکیل خانواده، روابط عاشقانه مدرن: سبک زندگی غربی، جمود و وسواس ناشی از افزایش سن و بزرگ‌پنداری دافعه‌های ازدواج. «تجربه مجرد، تأخیری معنا دار» به‌عنوان مقوله نهایی انتخاب شد و در پایان مدل پارادایمی مستخرج از داده‌ها طرح شد.

کلیدواژگان

بالا رفتن سن، تأخیر در ازدواج، دختران دانشجو، روش کیفی، نظریه زمینه‌ای.

sbagheri@khu.ac.ir

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) gmaddahi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد taherelotfi352@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۱

مقدمه و بیان مسئله

تجربۀ بالا رفتن سن ازدواج و خیل عظیم دختران مجرد بالای ۳۰ سال، کافی است این موضوع را مسئله‌ای اجتماعی بدانیم؛ مسئله‌ای که فقط در ازدواج خلاصه نمی‌شود و میدان‌های اجتماعی زیادی را متأثر از خود می‌کند. خانواده اولین نهادی است که از این پدیده متضرر می‌شود و صدای انحرافات در میان جوانان را به گوش جامعه می‌رساند.

خانواده، این واحد به‌ظاهر کوچک اجتماعی، از ارکان عمده و از نهادهای اصلی هر جامعه به‌شمار می‌رود. در واقع خانواده را باید کانون اصلی سنن و رسوم و ارزش‌های والا و مورد احترام، شالوده‌ی مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدأ بروز و ظهور عواطف انسانی و مهد پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسانی به‌حساب آورد [۲۷]. بنای یک خانواده سالم با ازدواج سالم و شایسته نهاده می‌شود و راز و رمز سالم‌سازی جامعه در سالم‌سازی خانواده‌ها از طریق ازدواج درست نهفته است. بی‌شک هیچ نابهنجاری عاطفی و اجتماعی وجود ندارد که از تأثیر خانواده فارغ باشد [۲۷].

امروزه با بسط گسترده نظام‌های انتزاعی و ازجمله بازارهای کالایی، سرشت روابط دگرگون شده و شاهد کم‌مایه شدن زندگی شخصی، تحلیل رفتن روابط شخصی، دگرگونی ماهیت آن و به‌طور کلی تغییر در شکل تعاملات زندگی هستیم [۲۴، ص ۱۴۱-۱۴۴]. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت امروزه پدیده عشق مدرن و پسامدرن بروز کرده که از عشق به معنای افلاطونی آن، که دارای ابژه‌های متفاوت، ماهیت فرافردی و متافیزیکی، غیرسکسوالیته و یک‌طرفه است، کاملاً متفاوت است [۱۶، ص ۸۵]. در دوران کنونی، گرایش محسوس نهادهای جدید به جهانی‌شدن، همراه با تغییر شکل زندگی اجتماعی روزمره، پیامدهای ژرفی داشته است [۲۳]. ایران نیز، همانند سایر کشورهای در حال توسعه، در پی تأثیرپذیری ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه از فرایند مدرنیته و جهانی‌شدن [۱۱، ص ۷۰] و به دنبال تغییرات در حوزه شهرنشینی، گسترش خانواده هسته‌ای، دسترسی بیشتر به آموزش و رسانه‌های گروهی، ورود زنان به بازار کار و ارتقای حقوق زنان، با تغییر در قوانین، الگوها و سلسله‌مراتب ارزش‌های ازدواج، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان مولید و افزایش سن ازدواج و مانند آن مواجه شده است [۱۳، ص ۱۳]. بنابراین در فرایند استقرار مدرنیته و گذر از جامعه سنتی، بسیاری از عناصر مهم و سنتی ساختار فرهنگی جامعه ما نیز در حال درهم‌شکسته شدن‌اند [۱، ص ۹۷]. در دهه‌های اخیر، دختران با انبوهی از پدیده‌های نوظهور، که اغلب پیامد مدرنیته و جهانی‌شدن است، مانند دستیابی به تحصیلات عالی، دگرگونی روابط میان نسل‌ها و جنسیت‌ها، ظهور فرصت‌ها و آرزوهای جدید برای انتخاب شریک زندگی، تغییرات در قوانین ازدواج و طلاق، دادن حقوق جدید به زنان و درنهایت ورود و مشارکت زنان در بازار کار روبه‌رو شده‌اند [۲۷]. دختران

مجرد از یک طرف در معرض تبلیغات و ارزش‌های جنبش‌های اجتماعی رهایی‌بخشی همچون فمینیست‌ها قرار دارند. در نتیجه، ازدواج جایگاه قبلی‌اش را نزد آنان از دست داده و همانند سابق به منزله تنها سبک زندگی پذیرفته‌شده پذیرفتنی نیست و برخی از دختران ازدواج زودهنگام را عملی غیرعقلانی در شرایط کنونی اقتصادی و اجتماعی ارزیابی می‌کنند و آن را مانع پیشرفت فردی نظیر تحصیلات یا اشتغال می‌دانند. بنابراین، تصمیم می‌گیرند تا مهیا شدن شرایط مناسب و به‌دست‌آوردن موفقیت نسبی شخصی آن را به تأخیر بیندازند. اما از طرف دیگر، آنان تحت فشارها و ارزش‌های خانواده و جامعه سنتی برای ازدواج به موقع قرار دارند. مجرد زنان یک سبک زندگی جدید است که همچنان در فرهنگ جوامع سنتی این جمعیت هنوز به منزله یک استثنا نگریسته می‌شوند و در مورد آنان پیش‌داوری‌هایی وجود دارد [۱۸، ص ۴۹۴].

روندهای موجود نیز مؤید آن است که به‌رغم تغییرات فرهنگی جامعه ایران، فشارهای اجتماعی برای ازدواج از عمومیت بالایی نزد زنان برخوردار است. در جامعه ایران، در سطح کلان، نگرشی مثبت به خانواده و ازدواج وجود دارد؛ با این حال، شواهدی مبتنی بر افزایش امتناع و انصراف از ازدواج بین دختران مجرد دیده می‌شود؛ تا آنجا که روند افزایشی مجرد قطعی زنان از ۲/۱ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. عده‌ای نیز ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند؛ به طوری که میانگین سن ازدواج دختران در سال ۱۳۷۵، ۲۲/۴ سال بوده که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۲۳/۴ سال رسیده است [۲۱]. بررسی الگوی سنی ازدواج ایران حکایت از افت‌وخیزهایی در طی نیم قرن اخیر دارد. میانگین سن در اولین ازدواج زنان از ۱۸/۴ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۴ سال در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و در سال ۱۳۹۵ با اندکی کاهش به مقدار ۲۳ سال رسیده است. این شاخص در میان زنان از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ همواره افزایشی بوده و برای نخستین بار در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. برای مردان این شاخص در سال ۱۳۴۵ از ۲۵/۰ به ۲۶/۷ سال در سال ۱۳۹۰ رسید و در سال ۱۳۹۵ به روند افزایشی خود ادامه داده و به ۲۷/۴ سال رسید [۲۹]. پرواضح است که تحقیقات پیمایشی به علت کمی‌بودن قادر به کشف و تفسیر علل و فرایندها در بالا رفتن سن ازدواج نیستند. همچنین تحقیقات خارجی در فضای فرهنگی متفاوت از کشور ما صورت گرفته است. بر همین اساس، در این پژوهش ضمن توجه به نتایج تحقیقات پیشین به منظور افزایش حساسیت نظری محقق، سعی شده است پژوهشی جدید، مستقل و بومی با راهبرد نظریه زمینه‌ای صورت گیرد؛ تا به این سؤال که چه عللی موجب بالارفتن سن ازدواج دختران شده است و درک خود دختران از این معنا چیست، با رویکردی تفسیری-برساختی، پاسخ داده شود.

مروری بر تحقیقات پیشین

پیشینه تحقیق

در زمینه پدیده تأخیر در سن ازدواج در میان دختران، مطالعات زیادی به روش کیفی در کشور انجام نگرفته و غالب تحقیقات در این زمینه با تأکید بر آمار و ارقام و روش کمی است. رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد (۱۳۹۶) معتقدند که ترکیبی از ارزش‌های سنتی و مدرن در ازدواج در هر سه نسل وجود دارد. بیشترین تفاوت نسلی مربوط به گونه‌های معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و سپس ازدواج با اقوام نزدیک است. در سایر ابعاد، به‌ویژه اهمیت رضایت پدر و مادر در ازدواج، پایین بودن سن دختر از پسر و مخالفت با خواستگاری دختر از پسر دیدگاه هر سه نسل به یکدیگر نزدیک است. التجائی و عزیززاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود دریافتند که با افزایش متغیرهای تورم و بیکاری بر سن ازدواج مردان و زنان افزوده می‌شود. فولادی (۱۳۹۳) در تحقیق خود بر ناهم‌زمانی وقوع بلوغ جنسی و عاطفی و بلوغ اجتماعی و اقتصادی، که خود متأثر از مدرنیته است، به منزله عامل اصلی افزایش سن ازدواج و عدم تمایل به فرزندآوری در زوج‌های جوان تأکید می‌کند. حسینی و گراوند (۱۳۹۲) به پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان، نگرش فرامادی به ازدواج، استقلال زنان و سن پاسخ‌گویان به‌عنوان بیشترین عامل تأثیرگذار در میزان شکاف بین رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج توجه دارند. نتایج پژوهش حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰) نشان داد دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته بیش از فرصت ازدواج است. کلودیا گیست^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی که در آمریکا روی نمونه‌هایی از آمریکا و اروپا انجام داده است به این نتیجه رسید که در مجموع سن ازدواج در اروپا و آمریکا در حال تغییر و در حال افزایش است و عامل اقتصادی و برابری جنسیتی باعث تغییر در سن ازدواج می‌شوند. مایکل جبل و استفانی هین (۲۰۱۶)^۲، در پژوهشی در کشور اردن نشان می‌دهند که رشد تحصیلی و تحصیلات در مقاطع بالاتر تا حدودی افزایش سن ازدواج در میان زنان را توضیح می‌دهد، اما این موضوع برای مردان صدق نمی‌کند. کلانی کرامت^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان ادراکات مربوط به ازدواج‌های عقب‌افتاده: مطالعه موردی بزرگسالان متأهل در کوالالمپور به این نتیجه رسیدند که برتری نگرش منفی نسبت به ازدواج بر نگرش مثبت و روابط قبل از ازدواج و مسائل نابرابری باعث استرس نسبت به این موضوع و افزایش سن ازدواج می‌شود.

1. Claudia Geist

2. Michael Gebel, Stefanie Heyne

3. Kelani Karamat

وانگ و داگلاس^۱ (۲۰۱۳) اگرچه تجرد دختران را یک سبک زندگی در کشورهای غربی می‌دانند، در جامعه معاصر چین زنان مجرد بالای ۳۰ سال هنوز به‌مثابه یک استثنا دیده می‌شوند و ارزش‌های اجتماعی خانواده‌های سنتی چینی به این زنان برای ازدواج و داشتن فرزند فشار می‌آورند. شارپ و گونانگ^۲ (۲۰۱۱) بر این باورند به‌رغم رشد تعداد مجردان، آرمان ازدواج و فرزندآوری همچنان مستحکم، فراگیر و تا حدود زیادی بلامنازع باقی مانده است، اما افکار و اعمال پاسخ‌گویان تحت تأثیر و هدایت محیط اجتماعی از جمله زندگی اطرافیان، همکاران و دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای اعضای خانواده‌شان قرار دارد.

مبانی نظری و مفاهیم حساس نظری

در اینجا به‌منظور آشنایی با مفاهیم و دیدگاه‌های موجود، برخی از نظریه‌ها مرور شده است و محقق قصد استخراج چارچوب نظری یا مدل تحقیق را ندارد. در واقع هدف استفاده از نظریه در این پژوهش صرفاً به‌عنوان راهنمایی جهت مفهوم‌سازی و حساسیت نظری است و پژوهش‌گران به دنبال ذهنیتی برساخته از نظریه در جهت جمع‌آوری اطلاعات از پیش تعیین شده نیستند، زیرا ماهیت پژوهش کیفی ورود به میدان با ذهنیتی باز است. در این پژوهش، محققان سعی کرده‌اند نظریه و داده را از میدان استخراج کنند.

نظریه اجتناب از خطر^۳ انگیزه‌های فردی رفتار افراد را در چارچوب اقتصادی تبیین می‌کند و مدعی است افراد زمانی که در شرایط ناامنی اقتصادی قرار دارند و عدم قطعیت بالایی دارند، از ریسک‌های غیرضروری در زندگی‌شان اجتناب می‌کنند. مک‌دونالد در جهت بسط این نظریه در مباحث خانواده اقدام کرده است [۱۷، ص ۱۵۰]. مک‌دونالد معتقد است که جوانان به موقعیت‌های مخاطره‌آمیز حساسیت بیشتری دارند. جهانی شدن و افزایش سطح تحصیلات به افزایش سطح انتظارات اقتصادی جوانان منجر شده است. اگرچه ممکن است ازدواج برای جوانان منافعی را به همراه داشته باشد، در شرایط بیکاری و ناامنی اقتصادی ریسک را افزایش می‌دهد. در این شرایط، جوانان ترجیح می‌دهند که زمان بیشتری را به تحصیل بپردازند و امنیت شغلی خود را افزایش دهند [۳۷]. این مسئله هم از جانب مردان و هم از جانب زنان دیده می‌شود و تأخیر در سن ازدواج آنان را در پی دارد.

از دیگر نظریه‌های راهگشا در پژوهش حاضر، جهت افزودن بر حساسیت نظری، نظریه‌های گیدنز در خصوص بازاندیشی در مدرنیته است. به عقیده گیدنز (۱۳۷۷) ویژگی مدرنیته نه‌اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه‌چیز است. با کاهش نفوذ سنت و بازسازی

1. Wang & Douglas
2. Sharp & Ganong
3. The risk Aversion Theory

زندگی روزمره برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگرچه عوامل یکسان‌ساز و استانداردکننده وجود دارد، به دلیل «بازبودن» زندگی اجتماعی امروزی و همچنین تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع «مراجع»، انتخاب شیوه زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد.

زیگمونت باومن نیز در نظریه عشق سیال به شکنندگی پیوندها بین زنان و مردان می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه در جامعه مدرن روان‌شناسی و بازار انسان‌ها را به سوی ایجاد پیوندهای سست سوق می‌دهند که وی از این پیوندها با عنوان «عشق سیال» نام می‌برد. وی معتقد است در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند، اما درعین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی‌شان را سلب کند. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند، اما تنها با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. در جامعه سیال مدرن، افراد به جای پیوندهای ناگسستنی و همیشگی خواهان پیوندهای سست و بی‌قید و بند هستند [۶]. قوای نیرومند بازار مصرفی، عمل براساس خواسته‌ها را به جزئی از رفتار روزانه تبدیل کرده است و مردم در جامعه سیال مدرن رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سودگرایانه با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه انتظار دستیابی به سود را دارند [۶، ص ۳۷].

ویلیام گود (۱۹۶۳) در نظریه همگرایی خانواده، ایده «انقلاب جهانی در الگوهای خانواده» را مطرح می‌کند. وی معتقد است فرایند نوسازی با ترجیح خانواده هسته‌ای، فردمحوری در مقابل خانواده‌محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌هایی با انتخاب آزاد، امکان‌هایی را برای تغییر الگوی ازدواج و خانواده فراهم آورده است. بنابراین، با توجه به نظریه گود و تحت تأثیر این تحولات ساختاری، در جوامع کمتر توسعه‌یافته گرایش به ازدواج‌هایی با سبک و سیاق مدرن غربی و با ویژگی‌هایی چون هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی در حال افزایش است [۱۶، ص ۹۰]. در مطالعات متعددی که در زمینه زمان‌بندی ازدواج انجام گرفته نیز بر این مفاهیم از جمله وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی اجتماعی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و شهرنشینی و... تأکید شده است. در این بررسی‌ها، تأثیر اشتغال بر تأخیر ازدواج تأیید شده است [۸؛ ۲۵؛ ۳۱].

همچنین بالابودن هزینه تهیه تجهیزات و هزینه‌های سنگین مراسم ازدواج نیز تا حد زیادی می‌تواند باعث به تأخیر افتادن ازدواج شود. براساس نظریه مصرف نسبی دوزنبیری (۱۹۴۹) گرایش فرد به مصرف تا حد زیادی متأثر از مصرف دیگران است [۳]. پذیرش این نظریه در کنار گسترش فرهنگ مصرفی شهری و دوری از فرهنگ تولیدی و خودبسندگی روستایی می‌تواند از یک‌سو موجب سنگین‌تر شدن وظیفه تهیه تجهیزات به‌ویژه برای دختران شود و از

سوی دیگر سطح توقع پسران را بالا ببرد. خود این مسئله نیز به نوعی می‌تواند ازدواج را به تعویق اندازد و سن ازدواج را بالا ببرد [۳، ص ۶]. نظریه انتخاب عقلانی نیز به دنبال تبیین رفتار انسانی است که عاقلانه رفتار می‌کند و به دنبال بیشینه کردن منافع فردی خویش است. البته باید توجه داشت که مفهوم نفع فقط شامل منفعت اقتصادی نیست و منافع غیرمادی را نیز دربر می‌گیرد و میزان محاسبه‌گری فرد از حد عقلانی کامل به حد قابل اقتناع تقلیل می‌یابد و همچنین در کنار مفهوم نفع، هنجارهای اجتماعی نیز لحاظ می‌شود [۷]. کلمن (۱۳۷۷) در نظریه انتخاب عقلانی خود به هنجارهای ازدواج نیز اشاره می‌کند و این‌گونه توضیح می‌دهد که عرصه‌ای که درخصوص روابط بین سطوح خرد و کلان شباهت‌هایی به بازار اقتصادی دارد، بازار ازدواج است. اما بازاری کاملاً ویژه، که هر کنشگر فقط یک کالا برای مبادله دارد. یعنی خودش. و محدودیت تک‌همسری بر نرخ مبادله حاکم است، که از تنوع در کمیت برای دستیابی به ارزش برابر در مبادله جلوگیری می‌کند. مدل‌هایی برای انتقال از سطح خرد به کلان در بازارهای ازدواج به وجود آمده است و قضایایی درباره ثبات محاسبات خاص وصلت مناسب وجود دارند [۲۲]. به عقیده کلمن کنش عقلانی تک‌تک افراد تغییر در هنجارهای ازدواج را منجر شده است.

روش پژوهش

در این پژوهش، از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. در مطالعات زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با یکدیگر همراه می‌شوند تا به پیدایش نظریه مستتر در داده‌ها کمک کنند [۳۵]. این روش اولین بار از سوی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) ابداع شده است. روش اصلی در اینجا برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بوده است. مصاحبه به‌طور خاصی با شیوه‌های نظریه زمینه‌ای تناسب دارد. در تحقیق حاضر، در آغاز کار برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه گفت‌وگویی غیررسمی با رضایت مشارکت‌کنندگان استفاده شد. مصاحبه‌شوندگان دانشجویان دختر مجرد بالای ۳۰ سال شهر مشهد بوده‌اند که در خوابگاه دانشجویی یا در فضای شهری و دانشگاهی با آن‌ها مصاحبه شد. بعد از اینکه مفاهیم و مقوله‌های اولیه آشکار شدند، با استفاده از رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شدند. این کار در جهت نمونه‌گیری نظری نیز انجام می‌شود و با ماهیت روش نظریه زمینه‌ای سازگاری بالایی دارد. پس از اینکه خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، به طراحی مجموعه سؤالات باز پرداختیم و این فرایند تا مرحله اشباع نظری ادامه پیدا کرد. این سؤالات شامل پرسش‌هایی از اوضاع خانواده، نوع روابط پیش از ازدواج فرد، نوع نگاه به ازدواج و... می‌شود. در این پژوهش محققان پس از ۲۷ مصاحبه به اشباع نظری رسیده و برای اطمینان از این اشباع تعداد مصاحبه‌ها را به ۳۳ مصاحبه

ادامه دادند. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری است: ۱. کدگذاری باز^۱، ۲. کدگذاری محوری^۲ و ۳. کدگذاری گزینشی^۳. پس از انجام دادن این مراحل، مسئله اصلی و محوری در یکپارچگی رسیدن به مقوله‌های محوری است که از آن با عنوان مقوله اصلی نام می‌برند. مقوله اصلی از همه مقولات تحقیق استخراج شده است و می‌تواند در چند کلمه خلاصه شود؛ به طوری که همه مقوله‌ها و مفاهیم به دست آمده را پوشش دهد. این پژوهش نیز مانند سایر تحقیقات کیفی ادعای تعمیم دادن نتایج حاصله به سایر افراد جامعه (دختران مجرد) را نخواهد داشت، بلکه در جامعه آماری مورد نظر دارای قدرت تبیین‌کنندگی و فهم پیچیدگی‌های مسئله است.

یافته‌های پژوهش

به منظور ارائه تصویری ذهنی از مشارکت‌کنندگان، خلاصه‌ای از مشخصات زمینه‌ای و کلی آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام	سن	رشته تحصیلی	مکان زندگی
۱	ثریا	۳۲	زیست‌شناسی	تبریز
۲	سمانه	۳۰	علوم سیاسی	سمنان
۳	ناهید	۳۶	فیزیک	بیرجند
۴	آرزو	۳۸	جامعه‌شناسی	تهران
۵	فاطمه	۳۰	جغرافیا	سنندج
۶	مائده	۳۸	روان‌شناسی	بجنورد
۷	هانیه	۳۱	روان‌شناسی	مشهد
۸	معصومه	۳۶	مدیریت بازرگانی	کرج
۹	فهیمة	۳۵	ریاضی	یزد
۱۰	مریم	۳۳	شیمی	تهران
۱۱	سارا	۳۰	جغرافیا	طیس
۱۲	پریسا	۳۱	زبان انگلیسی	مشهد
۱۳	فرشته	۳۴	ادبیات فارسی	قائنات
۱۴	الهه	۳۰	جامعه‌شناسی	سمنان
۱۵	اسما	۳۶	فیزیک	نیشابور
۱۶	شیما	۳۷	مدیریت	سبزوار
۱۷	سمیه	۳۱	علوم تربیتی	کلات
۱۸	حمیده	۳۳	اقتصاد	تهران

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding

ردیف	نام	سن	رشته تحصیلی	مکان زندگی
۱۹	سمیرا	۳۰	ژئورفولژی	چناران
۲۰	شیدا	۳۶	علوم خاک	لنگرود
۲۱	الهام	۳۲	تربیت بدنی	شیراز
۲۲	سمیه	۳۱	آمار	بجنورد
۲۳	حدیثه	۳۷	جغرافیا	خراسان
۲۴	فرزانه	۳۴	پاتولوژی	مشهد
۲۵	نگین	۳۰	حقوق	سبزوار
۲۶	سیمین	۳۲	علوم سیاسی	شیراز
۲۷	نازنین	۳۰	علوم دام	گرگان
۲۸	زهرة	۳۰	حشره‌شناسی	بیرجند
۲۹	زهرا	۳۴	هواشناسی	بایلسر
۳۰	هانیه	۳۵	بوم‌شناسی گیاهی	اصفهان
۳۱	نرگس	۳۴	شیمی	تهران
۳۲	بهاره	۳۲	بهداشت مواد	مشهد
۳۳	مینا	۳۵	پاتولوژی	نیشابور

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، سن مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر از ۳۰ تا ۳۸ سال بوده است. این افراد در رشته‌های تحصیلی مختلف از علوم انسانی تا علوم تجربی و ریاضی تحصیل کرده‌اند.

این تحقیق که به مدت بیش از یک سال به طول انجامیده برخی از معانی موردنظر دختران مجرد بالای سی سال را در مورد ازدواج و تأخیر در آن شناسایی کرده است. چنان‌که در جریان تحلیل و کدگذاری داده‌های اثر ۵۲ مفهوم (زیرمقوله) استخراج شد که در قالب ۱۵ مقوله اصلی قرار گرفتند: تحصیلات و بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، ادامه تحصیل مشغولیتی بازدارنده، تجربه رابطه با دیگری مهم، واکاوی شکست دیگران (خاطرات منفی): ترس از طلاق، اعتمادناپذیری و متعهدنبودن مردان، محدودیت شغلی و جبر تحصیلی، سرزنش؛ تحقیر و اعمال فشار بر دختران مجرد، تحکم و نادیده‌انگاری نظر دختر، انگیزه‌های دوران مجرد؛ دوران رهایی و مسئولیت‌ناپذیری، جهاز؛ بازتولید فرهنگی مشقت‌بار، درآمد و تمکن مالی مهم برای تشکیل خانواده، روابط عاشقانه مدرن: سبک زندگی غربی، جمود و وسواس ناشی از افزایش سن، بزرگ‌پنداری دافعه‌های ازدواج حاصل شد که در سه سطح شرایط ایجادکننده (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر)، استراتژی و عملکرد و درنهایت پیامد تأخیر سن ازدواج برای دختران دسته‌بندی می‌شود. برای رعایت اصل اخلاقی محرمانه‌بودن اطلاعات، در بیان نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان از اسامی مستعار استفاده می‌شود. جدول ۲ برای روشن‌تر شدن نسبت مفاهیم و مقولات ارائه شده است.

جدول ۲

مقولات	مفاهیم
تجربه رابطه با دیگری مهم	عشق دوران نوجوانی، عشق خودساخته، خیال‌پردازی مداوم عاشقانه، شکست عشقی حل نشده، ناکامل بودن شخصیت معشوق، آرمان‌گرایی عشقی، تعهد یک‌طرفه
واکاوی شکست دیگران (خاطرات منفی)، ترس از طلاق درس و تحصیلات، عامل مهم تأخیر در سن ازدواج	کنکاش تا رسیدن به وحشت بازدارنده، شکست‌جویی در زندگی متأهل‌ها، همزادپنداری با مطلقه‌ها، سناریونویسی منفی پیش از ازدواج
ادامه تحصیل مشغولیتی بازدارنده	موفقیت‌گرایی تحصیلی در تضاد با موفقیت در زندگی، صبر تحصیلی
تحکم و نادیده‌انگاری نظر دختر	فشار بیکاری رو به گسترش، احساس بطلان وجودی، نبود جایگزین‌ها فشار خانواده، توهین به مجردان، میان‌سالی خوف‌بار، اولتیماتوم ازدواجی، طرد خانوادگی
اعتمادناپذیری و متعهدنبودن مردان	سوءظن تثبیت‌شده، مشاهده خیانت، عریان بودن بی‌تعهدی مصادیق‌یابی تنوع‌طلبی
بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه	آرامش خیال و عدم پاسخ‌گویی، فراق بال مجردی، کنترل‌پذیری فشارهای زندگی در دوران مجردی، آقابالاسرگریزی، احساس آزادی و فرار از خفقان افسار سنت بر گردن مدرنیته، تقابل‌های خانوادگی، ناکارآمدی سنت در ازدواج‌های امروزی
دوگانه‌های سنت و مدرن	سیستم شرم‌نده‌ساز جهانی، جبر جهانی، آبرو خریدن جهانی، فشار فرهنگی جهاز: بازتولید فرهنگی مشقت‌بار جهازخواهی
درآمد و تمکن مالی عاملی مهم برای تشکیل خانواده	اهمیت بلامنازع پول، بی‌پولی؛ آغازگر اختلافات، نداشتن زمان برای ساختن اقتصادی زندگی در سنین بالا
روابط عاشقانه مدرن: سبک زندگی غربی	ارجحیت نیازهای جنسی، تنوع‌طلبی جنسی، عشق‌یابی سیال جذابیت ازدواج سفید
جمود و وسواس ناشی از افزایش سن	ترس از ریسک، ترس از شکست، وسواس در انتخاب، عدم توانایی ذهنی برای انتخاب
بزرگ‌پنداری دافعه‌های ازدواج	تردید در مسئولیت‌پذیری خانوادگی، بی‌حوصلگی، نگرش منفی به فرزندآوری

شرایط علی تأخیر سن ازدواج

تحصیلات و بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه

معنایی که دختران مجرد این پژوهش به کنش خود در بالارفتن عامدانه سن ازدواج نسبت می‌دهند معنایی متفاوت و متکثر است. دختران بر این اعتقادند که ازدواج امری فرامادی است و نمی‌توان همانند گذشته با آن برخورد کرد. همان‌طور که گیدنز (۱۳۷۷) فرض بازاندیشی

درباره همه چیز را در جامعه مدرن بدیهی می‌انگارد و معتقد به افزایش آزادی‌ها و انتخاب‌های فردی در جامعه مدرن است، دختران جوان نیز ادامه تحصیل را انتخاب زندگی خود می‌دانند. نگین ۳۰ سال دارد. او ادامه دادن به تحصیلات را صرفاً به دلیل انگیزه برای پیگیری درسی نمی‌داند و تحصیلات را بستر ساز به دست آوردن خودمختاری و بالابردن دامنه اختیارات خود تلقی می‌کند:

وقتی از یک جایی به بعدش توی درس بالا می‌ری می‌خوای این رو به دیگران بفهمونی تو دیگه در مورد آینده خودت تصمیم می‌گیری چون که خانوم دکتر شدی، یک خانوم دکتر می‌تونه خیلی راحت تر در مورد زندگی‌ش تصمیم بگیره. بدون اینکه کسی دخالت کنه، دیگه خیلی راحت تابع حرف دیگران نیست و برای خودش کسبه. فرشته ۳۴ دانشجوی دکتری فهمی بازاندیشانه و برساخت‌گرایانه به عدم ازدواج خود تا به این سن دارد:

تا لیسانس گرفتم فهمیدم بخوام واسه خودم زندگی کنم و حتی ازدواج نکنم. فکر کردم چی کار کنم. بهترین تصمیم این بود که با درس خوندن می‌تونم به چیزهایی که می‌خوام، یعنی مسافرت تنهایی، دوچرخه‌سواری و چیزهای دیگه، برسیم. درس خوندن چیزهایی رو که دوس داشتیم داشته باشیم بهم داد.

ادامه تحصیل مشغولیتی بازدارنده

رابطه دختران و ادامه تحصیل رابطه‌ای چندبعدی و معنادار است. دختران دانشجو با درکی که از تأثیر ادامه تحصیل بر بالا رفتن سنشان دارند این مسیر را انتخاب می‌کنند و به آن معنایی جدید می‌بخشند. انتخابی که ذهنیت و تمرکزشان را از پدیده‌ای اثرگذار، مانند ازدواج، به سوی تجردی طولانی مدت سوق می‌دهد. درواقع دختران برای عدم ازدواج خود کنش موجهی همچون ادامه تحصیل را مصداقی مورد پذیرش می‌دانند.

مینا ۳۵ ساله علت بالارفتن سن خود و دختران مجرد ازدواج نکرده مانند خود را ادامه تحصیل و دل مشغولی‌های ناشی از آن می‌داند:

دلیل بالا رفتن سن خودم و دوستانم رو در مورد ازدواج ادامه تحصیل می‌دونم. همیشه این ترس وجود داره که وقتی می‌خوای عروسی کنی دیگه از درس زده می‌شی. واقعیتش هم همینه. بگیریم اگر طرفت بهت اجازه درس خوندن هم بده، باز هم یه جوری سرت شلوغ می‌شه که دیگه به درس و آینده نمی‌تونی برسی. درس خوندن ذهن رو مشغول می‌کنه که کلاً ازدواج و انگیزه این‌ها رو ازت می‌گیره. مخصوصاً اگه تا بالای کارشناسی بیای دیگه درگیر می‌شی.

زهره ۳۰ ساله گرچه در حین مصاحبه از اشتباه خود برای اولویت تحصیلی بر ازدواج می‌گوید، بر تأکید خود به اولویت ادامه تحصیل در گذشته این گونه می‌گوید:

به خانواده هم گفتم خواستگار می‌آید ندید ردش بکنین. من برام اهمیت داره که بتونم درس بخونم، ولی الان که دارم دکتری می‌گیرم، می‌بینم سنم بالا رفته و اون شانس‌های قبلی رو ندارم. به خاطر درس پا رو خیلی از شانس‌هام گذاشتم. ممکنه الان پشیمون باشم، ولی اون موقع این جور فکر نمی‌کردم.

تجربه رابطه با دیگری مهم

روابط دختر و پسر پیش از ازدواج مفهومی چندلایه و مسئله‌ای مدرن است که حالا دیگر از استثنا به امری به نسبت فراگیر مبدل شده و تبع آن یکی از آسیب‌های این مسئله بالارفتن سن ازدواج و به وجود آمدن قشونی بزرگ از دختران و پسران مجردی است که خاطرات و تجربیاتی مانع‌ساز را با خود یدک می‌کشند.

در موارد زیادی پژوهش‌گران این مقاله طی مصاحبه با نمونه‌های تحقیق متوجه تجربه شکست عشقی افراد در روابط عاشقانه شده‌اند و به تبع آن این تجربه مانع پذیرش دیگران برای ازدواج با آن‌ها می‌شود. سیمین ۳۲ ساله، دختری به شدت احساساتی، هنگامی که در رابطه با عشق سابق خود سخن می‌گوید، دائماً اشک چشمانش را پاک می‌کند و از علاقه شدید خود به کسی که از دست داده این چنین سخن می‌گوید:

همون جور که خودت هم می‌دونی (محقق) واسه دخترها رابطه داشتن با کسی یعنی همه چیزشون رو گذاشتن وسط. به حدی سپهر رو (دوست سابق) دوس داشتم که امتحان پایان ترم رو سر لچ بازی بهم گفتم آگه دوستم داری، فردا سر جلسه برو و من نرفتم و اون درس رو افتادم، ولی با همه این دوست داشتن، آخرش من رو ول کرد با یک دختری از فامیل خودشون ازدواج کرد. به ازدواج با کسی دیگه فکر نمی‌کنم؛ دوباره می‌خوام باهش باشم. درسته زنش نشدم، اما وقت‌هایی که می‌خوام بخوابم با یادش می‌خوابم.

شیدای ۳۶ ساله نیز از انتظار برای رسیدن به عشق سابق خود می‌گوید. گرچه عشق سابق او ازدواج کرده، منتظر رسیدن به اوست.

همیشه به خاطر اون خواستگارهام رو رد می‌کردم. ما وقتی دوست بودیم عاشق هم بودیم اما اون برای ازدواج بهم می‌گفت نمی‌شه با کسی که دوست دخترته ازدواج کرد، به خاطر همین با یکی از اقوامش ازدواج کرد. انگار نه انگار من هم بودم. ولی با وجود اینکه خیلی از این کارش ناراحت شدم، الانهم بیاد حاضرم باهش ازدواج کنم.

واکاوی شکست دیگران (خاطرات منفی)، ترس از طلاق

یکی از نتایج و مفاهیمی که به ندرت در پژوهش‌های مشابه به آن پرداخته شده و به نظر مهم می‌رسد شنیدن تجربه‌های تلخ افرادی است که ازدواج کرده و پس از طی مدت زمانی اندک

طلاق گرفته‌اند. آینه‌ای از ترس و ناامیدی که دائماً در حال بازتولید تجربه شکست و تبلیغ آن به دیگران مجرد است. با واکاوی مصاحبه‌های انجام‌شده می‌توان گفت بین اکثریت مصاحبه‌شوندگان به موضوعات ذکرشده اشاره می‌شود. حدیثه با ۳۷ سال هنوز مجرد است و بر این نکته تأکید می‌کند که از ازدواج و طلاق و بعد از آن داغ ننگ ترس دارد:

اسم ازدواج کسی می‌آره من یکی یاد طلاق می‌افتم. هر کسی رو می‌بینم طلاق گرفته، دختر خاله‌م، پسر عمه‌م می‌بینی یک سال نرفته از ازدواجشون طلاق می‌گیرین و چیزهایی تعریف می‌کنن برات که اسم ازدواج می‌آد انگار کابوسه برام.

نازنین ۳۰ ساله دانشجوی فوق لیسانس نیز از ترس خود نسبت به تجربه دیگران از تأهل می‌گوید:

هی همه می‌گن شوهر نکنی بدبخت می‌شی. ما که ازدواج کردیم چه گلی به سر خودمون زدیم. آدم می‌ترسه از ازدواج. من که دیگه هرکی می‌آد جرئت ندارم بهش بله بگم. می‌گم نکنه من هم مثل خیلی‌ها آخرش سیاه‌بخت بشم.

ثریا ۳۲ سال از عمومیت و فراگیری تجربه تأهل و مشکلات آن می‌گوید و معتقد است ازدواج و تأهل برای همه تجربه‌ای منفی بوده است:

از هر متأهلی می‌خوای بپرس عمراً کسی ازدواج کرده باشه و راضی باشه. فقط چیزی که می‌شنوی نارضایتی و بدگویی در مورد متأهل شدن و می‌گن مگه دیوانه شدی بخوای متأهل شی. تمامش مسئولیته. این کار یه متأهل و دو متأهل نیست. همه‌شون ناراضی‌ان. این‌ها که دروغ نمی‌گن حتماً یه تجربه‌ای هست که می‌گن.

شرایط زمینه‌ای تأخیر سن ازدواج

اعتمادناپذیری و متعهدنبودن مردان

بیش از ۲۵ نفر از سوژه‌های این تحقیق نبود اعتماد را عامل مؤثری در بالارفتن سن ازدواج می‌دانند. به نظر می‌رسد با افزایش سن و تحصیلات دختران این بی‌اعتمادی بیشتر می‌شود. در اظهارت افراد گفته می‌شود که نمایش بی‌اخلاقی‌هایی از سوی مردان و نمایش آن در شبکه‌های اجتماعی به این بی‌اعتمادی دامن زده و آنان قادر به اعتماد به مردان نیستند. طبق نظریه هم‌گرایی خانواده ویلیام گود (۱۹۶۳)، گسترش وسایل ارتباط جمعی، به‌عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته، می‌تواند خانواده‌گرایی را تضعیف کند [۳۴]. بهاره ۳۲ ساله از مصاحبه‌کنندگانی بود که خود در حین مصاحبه بارها از شبکه‌های اجتماعی استفاده و روند مصاحبه را قطع کرد و تصاویر خاصی از اینستاگرام را به پژوهش‌گر برای اثبات سخنان خود نشان داد:

مردهای الان از، داداش‌های خودم تا بقیه، خیلی تنوع‌طلبان. انگار وفاداری تو خیلی‌هاشون مرده دیگه. شما داداش خودت هم بی‌خیال شو، فقط کافیه یه نگاه

اجمالی تو این شبکه‌های اجتماعی بندازی ببینی چقد بی بند و باری و بی‌اخلاقی مردها زیاده و می‌ترسی از همین‌ها با نقاب خوب بیاد و شوهرت شه.

مینا ۳۵ سال دانشجوی دکتری به مردان بدبین شده است و مردان را تنوع‌طلب می‌داند:

در مورد مردها خیلی چیزها می‌گن که بیجا و بشنو؛ چیزهایی که در موردشون می‌گن درسته. تنوع‌طلبی دارن.

سارا ۳۰ ساله نیز در رابطه با تنوع‌طلبی و روند بی‌اخلاقی‌های مردان در حوزه رابطه با جنس مخالف این‌گونه ویژگی مردان را توصیف می‌کند:

یک‌جوری وضع خراب شده پسرها راحت با هزارتا دختر در آن واحد دوستان. همه رو می‌خوان و از هر دختری خوششون می‌آد؛ این‌ها آدمان برا شوهر کردن؟ کافیه یه کم آرایش نکنی به خودت نرسی، خیلی راحت به کسی دیگه تمایل پیدا می‌کنن و هیچ وفاداری و تعهدی ندارن.

محدودیت شغلی و جبر تحصیلی

با توجه به شرایط کسب شغل و درآمد در جامعه ما، به‌ویژه برای زنان و دختران، زمینه آن‌گونه تعریف می‌شود که تنها راه برای کسب شغل، تحصیلات و رسیدن به مدارج بالای تحصیلی است. موضوعی که نه تنها باعث تمرکز دختران به ادامه تحصیل شده، بلکه به تبع آن باعث افزایش سن و عدم ازدواج در سن مناسب است. براساس نظریه اجتناب از خطر مک‌دونالد (۲۰۰۶) نیز، زمانی که افراد در جامعه در شرایط ناامنی اقتصادی قرار دارد، ریسک‌پذیری آنان نسبت به آینده کاهش می‌یابد و در این شرایط ترجیح می‌دهند به جای ازدواج، ادامه تحصیل دهند و امنیت شغلی خود را افزایش دهند. فرزانه ۳۴ دائماً در حال تکرار جملاتی است که بار تکرار خود را بر ادامه تحصیل و عدم اشتغال خود می‌داند:

خب ما دخترها اگه اومدیم درس خوندم و سنمون الان این شده و هنوز ازدواج نکردیم، دلیلش اینه که چاره دیگه‌ای نداشتیم. چی کار می‌کردیم. ما که نمی‌تونستیم بریم دنبال کار آزاد. هم و غمون این بود بیایم درس بخونیم شاید جایی استخدام بشیم. وقتی استخدام شی، اون‌وقته که شانس داری با یک مرد مناسب ازدواج کنی.

پریسا ۳۴ نیز همانند فرزانه ادامه تحصیل را تنها راه خود برای کسب شغل می‌داند، زیرا مدعی است در بازار آزاد جایی برای اشتغال زنان پیدا نمی‌شود:

بیشتر شغل‌های بازار مال آقایونه و ما سهم خیلی کمی داریم. می‌آییم درس بخونیم که بتونیم آینده داشته باشیم؛ درس هم باید بیای تا بالا شاید بتونی کاری پیدا کنی. دیگه فرصتی برای متأهل شدن نمی‌مونه، اگر می‌خوای ازدواج پر و پیمونی کنی و این خودش خودبه‌خود سنت رو می‌بره بالای سی.

سرزنش، تحقیر و اعمال فشار بر دختران مجرد

تجربه دختران مجرد در بسیاری از خانواده‌ها توأمان با سرزنش، گاهی تحقیر و طرد است و این خود عاملی بسیار مهم در دلسردی دختران و گاهی تن دادن به ازدواج با بی‌علاقگی شده و در ادامه آن، طلاق در سال‌های اول ازدواج را در پی دارد.

شیرین ۳۷ ساله با حالتی پریشان و گاهی عصبانی از برخوردهای خانواده خود و تحت فشار قرار دادنش صحبت می‌کند و انزوای خود را نتیجه برخورد والدین خود می‌داند:

می‌دونی چیه؟ دختر بدبخت فقط کافیه از یه سنی به بعد مجرد بمونه. انگار آدم کشته. از همه طرف بهت فشار می‌آرن که از خودت هم بدت می‌آد. برادرهام دیگه نمی‌خوان من رو تو خونه ببینن. می‌ترسم همیشه یه جوری بشه شرایط با کسی که مناسب نیست عروسی کنم، فقط به دلیل اینکه دهن این‌ها بسته بشه.

تحکم و نادیده‌انگاری نظر دختر

در خانواده‌های ایرانی ازدواج نمی‌تواند بدون رضایت خانواده انجام شود یا اگر انجام شود، کار آسانی نیست. در واقع ازدواجی که با مخالفت خانواده باشد درست شبیه به بنایی است که روی شن ساخته باشید و هر زمان امکان فروریختن آن وجود دارد. خانواده‌هایی که در مواردی با وجود رضایت و علاقه طرفین به یکدیگر به ازدواج رضایت نداده و مانع آن می‌شوند که خود این عامل به‌نوعی زمینه‌ساز تجرد و سرخوردگی دختران می‌شود. اسما ۳۶ ساله، دانشجوی دکتری در حالی که از علاقه خود به خواستگارش سخن می‌گفت، از ممانعت خانواده و جلوگیری از ازدواجش انتقاد می‌کند و این عامل را علت اساسی تجرد خود می‌داند:

زمان‌هایی هست دلسوزی خانواده بیجاست. چه جوری بگم از خواستگارم خوشم اومده، با نداری‌ش می‌ساختم و دوستش داشتم. پدرم مخالف بود. آقا من راضی بودم به کی باید بگم می‌تونیم ما هم در مورد آینده‌مون تصمیم بگیریم.

پریسا ۳۱ ساله دانشجوی دکتری زبان انگلیسی با رویکردی کاملاً انتقادی به موضع خانواده‌اش در مورد ازدواج این‌چنین سخن می‌گفت:

بابام عادت داره حرف حرف خودش باشه. دوتا خواستگار قبلی‌م رو رد کردم، بابام به دلش بود من بله بدم. خیلی هم اصرار کرد، ولی به دلم نمی‌نشستن. یکی از بچه‌های دانشگاه خواستگارم بود. ندیده رد کرد. من هم بهش گفتم این جوریه من هم محاله دیگه کسی رو انتخاب کنم.

شرایط مداخله گر تأخیر سن ازدواج

انگیزه‌های دوران مجرد: دوران رهایی و مسئولیت‌ناپذیری

در دهه‌های اخیر، دختران با انبوهی از پدیده‌های نوظهور، که اغلب پیامد مدرنیته و جهانی‌شدن است، مانند دستیابی به تحصیلات عالی، دگرگونی روابط میان نسل‌ها و جنسیت‌ها، ظهور فرصت‌ها و آرزوهای جدید برای انتخاب شریک زندگی، تغییرات در قوانین ازدواج و طلاق، دادن حقوق جدید به زنان، افزایش قابل ملاحظه نرخ طلاق و درنهایت ورود و مشارکت زنان در بازار کار روبه‌رو شده و از طرف دیگر بسیاری از آزادی‌های دوران مجردی برایش جذاب شده و این خود تأخیر در سن ازدواج را در پی دارد. این مسئله با نظریه انتخاب عقلانی کلمن [۲۲] هماهنگ است که افراد به رفتارهایی تمایل دارند که نفع آن‌ها در آن رفتار بیشتر تأمین می‌شود که این نفع جنبه‌های فرامادی را نیز پوشش می‌دهد. نازنین ۳۰ ساله با ظاهری کاملاً مدرن و آرایش‌کرده و سبک پوششی خاص با لحنی رضایتمند و با لبخند می‌گوید:

الان آزادم. هرجایی بخوام می‌رم. با دوستانم برنامه می‌ریزیم جایی بریم، می‌ریم. خونواده‌م به اون صورت کاری ندارن. ولی شوهر باشه، باید همه‌ش ازش اجازه بگیرم. شاید خوشش نیاد تو با دوست‌ها تبری بگردی. والا دیگه مثل قبل مجرد بودن بد نیست. کلی می‌تونی برا خودت بگردی و آقابالاسر نداشته باشی.

سمیه ۳۱ ساله از آزادی دوران مجردی خود بسیار رضایتمند بوده و آن را مهم‌ترین عامل در مجرد خود می‌داند:

بهترین امتیاز مجردی آزادیشه. مجردی از هفت دولت آزادی. کسی که ازدواج می‌کنه دیگه اختیار گوشی خودش رو نداره. دوران مجردی مثل مسواک می‌مونه که مال خودته و شخصیه.

جهاز: باز تولید فرهنگی مشقت‌بار

از نتایج جالب و شاید در نگاه اول بی‌اهمیت این پژوهش فرهنگ مشقت‌باری است که برای تهیه تجهیزات در جامعه ما وجود دارد. مدت‌هاست پای چشم و هم‌چشمی به بازار جهیزیه هم باز شده و مانند مهریه به افتخار عروس و خانواده آن تبدیل شده است. نبود آن یا نقص در تکمیل آن دست‌مایه‌ای برای تمسخر و تحقیر شده است. براساس نظریه مصرف دوزنبیری (۱۹۴۹) نیز مصرف افراد تابع مصرف دیگران است [۳]. فرهنگ اشتباهی که هزینه آن را خانواده عروس و درنهایت زوجین در عدم ازدواج پرداخت می‌کنند. آثار منفی روانی مسئولیت تهیه تجهیزات، آن هم از نوع کامل و تجملاتی و با در نظر گرفتن چشم و هم‌چشمی‌ها، به صورت جدی درخور تأمل است و اگر جهیزیه بخواند روند تجملی خود را

پیش ببرد، این بار کمرشکن بر دوش هر که باشد، کل جامعه را دچار بحران می‌کند. فرزانه ۳۴ ساله از تجربه ازدواج خواهرش و بر هم خوردن ازدواج به دلیل نارضایتی خانواده داماد از جهیزیه این‌گونه می‌گوید:

خواهر بیچاره‌ام اون (خواستگار خواهر مصاحبه‌شونده) رو خیلی دوستش داشت و این‌ها همدیگر رو قبول کرده بودن، کار به خواستگاری هم رسید، ولی به دلیل اینکه جهاز خوب نداشتیم براش تهیه کنیم، مادر داماد اختلاف ایجاد کرد و همه چیز به هم به خورد. جهیزیه تهیه‌ش برای خانواده‌های عادی سخته، چه برسه برای کسانی که دستشون تنگه. یک خانواده می‌شناسم که پدرشون خواستگارهای دخترشون رو رد می‌کنه، چون پولی برای خریدن جهیزیه نداره، بهونه می‌آره.

حدیثه ۳۷ ساله با اذعان به وضعیت مالی ضعیف خانواده خود در رابطه با فرهنگ مشقت‌بار تهیه جهاز این‌گونه نظر می‌دهد:

الان رسم شده که پدر بدبخت باید کلی قرض کنه بتونه جهاز نصف نیمه جمع کنه برای دخترش، همون هم طعنه می‌زنن و عذاب می‌دن خانواده‌هاشون رو.

درآمد و تمکن مالی عاملی مهم برای تشکیل خانواده

کنش براساس منفعت و کالایی‌شدن فرهنگ حاکم بر ازدواج درهای بسیاری از سنت‌های حاکم بر ازدواج همچون اخلاق و اعتقاد را بسته و درواقع می‌توان گفت برخورد منفعت در ازدواج بیشتر از هر دوره‌ای امروزه در حال نمایشی آشکار است. این مسئله مطابق با نظریه انتخاب عقلانی کلمن (۱۳۷۷) است که مطابق با آن انسان‌ها عاقلانه رفتار می‌کنند و به دنبال حداکثرکردن منافع فردی‌اند. نگین، ۳۰ ساله، از اولویت اقتصادی برای ازدواج می‌گوید و این اولویت را به علاقه نیز ترجیح می‌دهد:

دور و زمونه الان دیگه پولدار باشی همه چیز داری. خودم کسی رو خیلی دوست داشته باشم وضع مالی‌ش خوب نباشه، بهش بله نمی‌گم. باید حداقل خونه و ماشین داشته باشه.

سیمین، ۳۲ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد نیز با توجه به سن خود اولویت اقتصادی برای ازدواج را اولویتی منطقی می‌داند:

پول خیلی مهمه. دیگه دختر بیست‌ساله نیستیم که پسر مثل پسری باشه که تازه از سربازی برگشته نه کاری، نه خونه‌ای، نه هیچی. طرف اگه کار نداشته باشه یا نداشته باشه پول رهن یا اجاره‌خونه که حالا تو یه جای معمولی باشه رو هم بده، آدم نمی‌تونه قبولش کنه. پسرها حق دارن، ولی خب ما هم حق داریم.

استراتژی و عملکرد در برخورد با تأخیر سن ازدواج

روابط عاشقانه مدرن: سبک زندگی غربی

یکی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی که در سالیان اخیر در جامعه ایران و در بافت اجتماعی جوان نمود یافته است تغییرات مناسبات سنتی میان دو جنس و پیدایش اصول و قواعد مدرن است. دگرذیسی در روابط میان زن و مرد عموماً در پیوند رسمی و قانونی میان آنان بی‌تأثیر نخواهد بود و در اشکال متفاوتی نمود می‌یابد. این تحولات مبتنی بر رابطه عاشقانه است که در قالب دوستی‌های پیش از ازدواج و در شکل افراطی آن، هم‌خانگی بدون ازدواج، مجسم می‌شود. دختران و پسرانی که با برقراری روابط دوستی و با برطرف کردن نیازهای عاطفی و جنسی خود و در عین حال نداشتن مسئولیت‌های ازدواج در حال دوری از ازدواج و تشکیل خانواده‌اند که این خود مشکلات فراوانی، چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی، ایجاد می‌کند. باومن (۱۳۸۷) نیز در نظریه عشق سیال به این امر اشاره می‌کند و پیوندهای سست در روابط میان زن و مرد را به تمایل به آزادی و بی‌قیدی در رابطه، که از خصوصیات جامعه مدرن است، مرتبط می‌کند. سمیرا، ۳۰ ساله، از رابطه دوستی خود با جنس مخالف این‌گونه سخن می‌گوید:

پنج ساله با حامد دوستیم و عاشق همیم. همیشه بهم گفته قصد ازدواج نداره. برام مهم اینه که هر نیازی دارم رو اون برطرف می‌کنه. دلیلی نداره ازدواج کنم فعلاً.

مریم، ۳۳ ساله، با ظاهری کاملاً مدرن و پوششی براساس الگوهای غربی از عدم علاقه به روابط طولانی‌مدت می‌گوید:

آدم ازدواجی‌ای نیستیم. یعنی پدر و مادرم رو نگاه می‌کنم می‌گم خدایا این‌ها چه جووری سی‌ساله دارن با همدیگه زندگی می‌کنن. مگه می‌شه سی سال کنار یکی موند! خیلی سخته، آدم از طرفش خسته می‌شه. من دنبال روابط کوتاه‌مدت نیستیم، اما با روابط دوستی چهار پنج ساله هیچ مشکلی ندارم.

پیامد تأخیر سن ازدواج

جمود و وسواس ناشی از افزایش سن

یکی از مفاهیم این پژوهش آن است که با بالا رفتن سن، ازدواج و انتخاب سخت می‌شود. بیشتر سوژه‌های این پژوهش به این مسئله اذعان دارند. به این معنا که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود نوعی وسواس و سخت‌گیری بر تصمیم‌حاکم و انتخاب سخت‌تر می‌شود. ناهید، ۳۶ ساله، با سطح خانوادگی متوسط از وسواس و سخت‌شدن انتخاب همسر در سنین بالا سخن می‌گوید:

از سی سال که می‌ری به بالا، انگاری یه چیزی ت می‌شه. خیلی سخت‌گیرتر می‌شی در مورد ازدواج. اخلاقم بد شده. خیلی بیشتر استرس دارم. وقتی مردی می‌آد

خواستگاری م، بکوب به همه چیز فکر می‌کنم و سخت می‌گیرم. دوست دارم داستانی چیزی پیش بیارم و خواستگاری به هم بخوره آرامش بهم برگرد.

فهیمة، ۳۵ ساله، نیز از امکان ازدواج موفق در سنین پایین‌تر از سی سال می‌گوید و افزایش سن را مانعی برای ازدواج می‌داند:

پیشنهاد می‌کنم هر دختری می‌خواد ازدواج کنه و متأهل شه همون دوران کارشناسی ازدواج کنه. وگرنه دیگه هرچی سنش بیشتر شه، هم شانسش کمتر می‌شه و هم سخت‌گیرتر می‌شه.

بزرگ‌پنداری دافعه‌های ازدواج

از مسائل مهمی که بیش از چهارده نفر از سوژه‌های تحقیق به صورت‌های مختلف به آن اشاره دارند تغییر نگرششان به فضای بعد از ازدواج و از بین رفتن جذابیت‌های گذشته، همانند بچه‌دار شدن و بزرگ کردن آن، است. در واقع می‌توان گفت نگرش‌های مدرنیته در این حوزه موضوعی مانند بچه‌داری را از جاذبه ازدواج برای دختران به دافعه تبدیل کرده است. گویی بسیاری از رویکردهای عاطفه‌محور گذشته رنگ باخته‌اند و جای خود را به رویکردهای مدرن و بی‌تفاوتی احساسی داده‌اند. ناهید، ۳۸ ساله، با ظاهری به‌هم‌ریخته و حالتی غمگین و افسرده ازدواج و بچه‌داری را امری مشقت‌بار برای خود ترسیم کرده است:

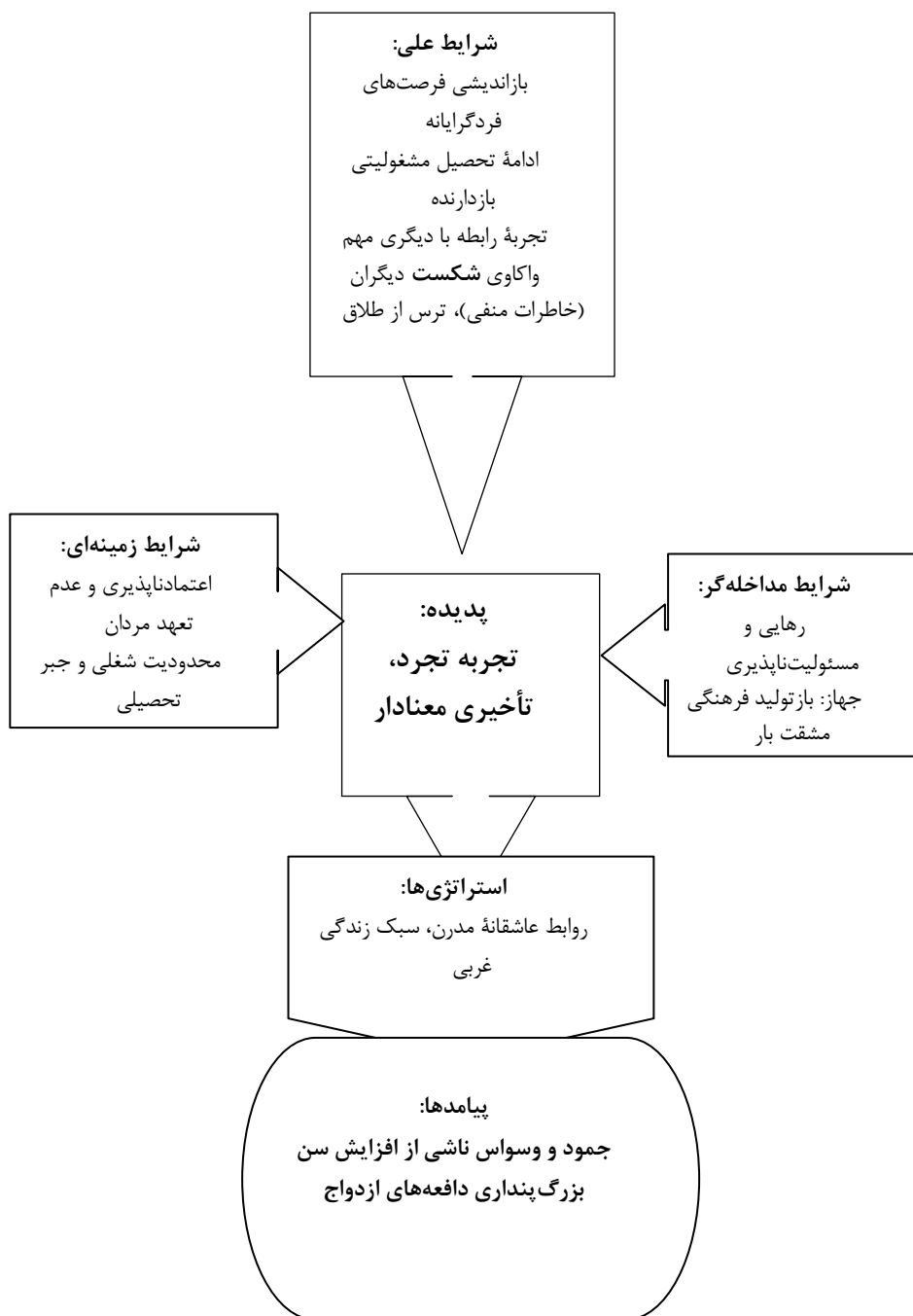
بعد از سال‌ها درس خوندن حال بچه‌داری و این حرف‌ها رو ندارم. آخه مغزم کشش نداره. شوهرداری و بچه‌داری حال و حوصله می‌خواد. از مسئولیت‌پذیری زیاد بیزارم. خودم رو نمی‌تونم جمع‌وجور کنم بعضی وقت‌ها.

فرشته، ۳۴ ساله، از بی‌تمایلی به داشتن شوهر در زندگی و دافعه‌های ازدواج با مردان می‌گوید:

کی می‌خواد با شوهر و فامیل شوهر سر و کله بزنه. مگه خدا زده پس سرم! صدای بچه‌های فامیل یه کم زیاد می‌شه نمی‌تونم طاقت بیارم. بعد پیام بچه بزرگ کنم.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف درک تجربه زیسته دختران مجرد درباره تجرد به بررسی احساسات، نگرش‌ها و تجربه ۳۳ نفر از دانشجویان دختر شهر مشهد براساس رویکردی کیفی-برساختی می‌پردازد. رویکرد کیفی-برساختی درک علل و زمینه‌های پدیده‌های مورد بررسی را به‌عنوان یک کنش-واکنش آگاهانه و فردی در نظر می‌گیرد. دختران با توجه به وضعیت اقتصادی، تحصیلی، داشتن یا نداشتن تجربه ازدواج و روابط دوستی با مردان، تصویرهای متفاوتی درباره تجرد ارائه می‌دهند. جمع‌آوری و تحلیل مصاحبه‌های سوژه‌های پژوهش بیانگر تنوع و دلایل مختلف این دختران در گرایش به تجرد است.



شکل ۱. مدل پارادایمی بر ساخت معنایی تأخیر سن ازدواج

مطابق مدل پدیدار شده، محور اصلی، مجرد در میان دختران دانشجو به عنوان کنشی معنادار است. کنشی با برساخت‌های مختلف معنایی که به ما می‌گوید چه چیزی در میان دختران مجرد در جریان است.

شرایط علی

طبق نظر استرواس و کوربین، شرایط علی و سبب‌ساز آن دسته از وقایع و رویدادها (علت‌هایی) هستند که مستقیماً بر پدیده اثر می‌گذارند [۲]. به صورت کلی، اگر بخواهیم سیر داستان و سوق یافتن دختران مجرد را به سمت عدم تصمیم‌گیری در ازدواج و تأخیر در آن بررسی کنیم، ابتدا از شرایط علی این پدیده تبیین خود را آغاز می‌کنیم. در واقع ما با رویکرد امیک سوژه‌های پژوهش را عاملانی فعال در برابر هنجارهای مربوط به ازدواج می‌دانیم که خود دست به برساختی جدید از موقعیت زدند. دختران پژوهش حاضر معنایی جدید به ادامه تحصیل و عدم ازدواج خود ارائه دادند. از جمله شرایطی که در فرایند پژوهش به عنوان شرایط علی تأخیر در سن ازدواج تشخیص داده شد ادامه تحصیل و مشغولیت زمانی و ذهنی است که خودبه‌خود علتی مهم برای نپرداختن به مسئله‌ای مانند ازدواج است. حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰) نیز دریافتند سن ازدواج در میان دخترانی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند و اعتقاد بیشتری به این دارند که هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته در صورت ازدواج بیشتر از فرصت ازدواج است. پژوهش ایمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) و سفیری (۱۳۸۵) نیز بر نقش تحصیلات در ازدواج دیر هنگام دختران تأکید داشته است. در حقیقت، تحصیلات و ادامه‌دادن آن از سوی دختران دیگر فقط به معنای حضور در میدان‌های آکادمیک و مباحث تحصیلی نیست و معانی اجتماعی و فرهنگی جدید به خود گرفته است. بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه از عوامل علی بسیار مهمی است که در این پژوهش از آن به عنوان شرایط علی پدیدآورنده مجرد در دختران یاد می‌شود. علت این مسئله نیز در الگوهای فرهنگی جدیدی است که عموماً در فرهنگ جامعه سرمایه‌داری و تأکید آن بر فردگرایی ریشه دارد. سوژه‌های پژوهش، همچنان که در بخش داده‌های مربوط به شرایط علی نیز آورده شد، بر این نکته بسیار تأکید دارند که ادامه تحصیلات دانشگاهی برایشان همچون سندی بر فردگرایی بیشتر، رهایی از بند محدودیت‌های خانوادگی و استقلال در تصمیم‌گیری است و دخترانی که دیگر کمتر خود را درگیر مسئولیت‌های زنانه تعریف‌شده اجتماعی می‌بینند و با تحصیلات به دنبال ارتقای جایگاه اجتماعی خود از این طریق هستند. گیدنز (۱۳۷۷) نیز فرض بازاندیشی درباره همه‌چیز را از بدیهیات جامعه مدرن می‌داند و بر این عقیده است که در جامعه مدرن افراد حق انتخاب فردی و آزادی‌های بیشتری دارند. انتخاب ادامه تحصیل از سوی دختران جوان نیز در همین راستاست. فردگرایی به خودی

خود زمینه‌های دیگر کنش‌های فردی را برای دختران مجرد فراهم می‌آورد. از جمله این عوامل، که در ذیل عنوان شرایط علی قرار می‌گیرند، تجربه رابطه با دیگری‌هایی است که نقشی شکننده و بی‌اعتمادساز را در این گروه بازی می‌کنند؛ رابطه با دوستان پسری که به عاملان عاطفی و وابسته‌ساز تبدیل می‌شوند و با مهر وابستگی به خود عملاً مانعی بر سر ازدواج دختران مجرد این پژوهش می‌شوند. ویلیام گود (۱۹۶۳) نیز در نظریه همگرایی خانواده معتقد است که فرایند نوسازی با مواردی همچون ترجیح فردمحوری در مقابل خانواده‌محوری و بهبود موقعیت زنان و ازدواج‌هایی با انتخاب آزاد، موجبات تغییر الگوی ازدواج و خانواده را فراهم آورده است. در ادامه نیز، داستان شرایط علی مؤثر بر مجرد این دختران به مفهومی جدید، آن هم به دلیل فراگیری و رشد طلاق، می‌رسیم. اتفاقی که به نوعی پروپاگاندای منفی علیه ازدواج شده و با تصویرآفرینی افراد شکست‌خورده در این امر، به نوعی ترس و رعب را در گروه مجردان به وجود می‌آورد. خاطرات منفی افراد متأهل در شکست و رسیدن به طلاق ذهنیتی منفی را به ریسک ازدواج ایجاد کرده و علتی مهم در مجرد جوانان است.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای به نوعی در تلاقی و در ارتباط با شرایط علی است و در واقعیت عواملی را شامل می‌شود که زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده پدیده مورد تحقیق‌اند. شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال و مسائلی را پدید آورند که اشخاص با عمل و تعاملات خاص به آن‌ها پاسخ می‌دهند [۷، ص ۶۰]. بی‌اعتمادی به مردان و متعهدنبودن آنان، که تا حدود زیادی به نظر می‌رسد حاصل داده‌ها و پمپاژ تصویری و محتوایی رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نوین است، زمینه را در جهت بی‌اعتمادی دختران به مردان فراهم کرده و پاسخ آنان به این زمینه، بدبینی و دوری از ازدواج است. پژوهش مهدوی و همکاران (۱۳۹۵) نیز بر بی‌اعتمادی به‌منزله یکی از علل بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج تأکید کرده است و پژوهش محمدپور و تقوی (۱۳۹۴) نیز بر بی‌اعتمادی به‌عنوان یکی از عوامل اجتماعی بالارفتن سن ازدواج جوانان تأکید دارد. محدودیت تحصیلی و جبر تحصیلی برای موفقیت در به دست آوردن شغل نیز زمینه‌ساز مهمی در بالا رفتن سن ازدواج و مجرد در دختران پژوهش حاضر است. در واقع نگاه به آینده و کسب شغل پیش از ادواج زمینه‌ای پنهان را برای بالارفتن سن ازدواج فراهم می‌کند. براساس نظریه اجتناب از خطر مک‌دونالد (۲۰۰۶) نیز، زمانی که جامعه در شرایط ناامنی اقتصادی قرار دارد، افراد ترجیح می‌دهند ریسک کمتری کنند و به جای انجام ازدواج، با ادامه تحصیل امنیت شغلی خود را بیشتر کنند. التجائی و عزیززاده (۱۳۹۵) و صادقی و شکفته گوهری (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به تورم و بیکاری و عدم اطمینان به آینده، به‌عنوان عواملی که در بالارفتن سن ازدواج

دختران دخیل اند، اشاره کرده‌اند. کلودیا گیست (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود عامل اقتصادی را یکی از عواملی می‌داند که در افزایش سن ازدواج دختران در اروپا و امریکا مؤثر است. به‌علاوه، فشار به دختران جوان برای ازدواج از سوی خانواده و سرزنش و تحقیر آنان و در برخی موارد تحکم و نادیده‌انگاری نظر دختر نیز در میان دختران جوانان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر دیده شده است. این یافته با پژوهش وانگ و داگلاس (۲۰۱۳) نیز منطبق است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ارزش‌های اجتماعی خانواده‌های سنتی چینی به زنان مجرد بالای سی سال برای ازدواج و داشتن فرزند فشار می‌آورند. همچنین پژوهش ایمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) و محمدپور و تقوی (۱۳۹۴) نیز تأثیرات سخت‌گیری والدین بر تأخر ازدواج دختران را یادآور شده است.

شرایط مداخله‌گر

در مقابل شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای وجود دارند که در تحقق راهکارها نقش ترمز را ایفا می‌کنند [۵، ص ۶۱]. درواقع، شرایط مداخله‌گر نقش تشدیدکننده، تغییردهنده و در مواقعی هم‌کننده پدیده را ایفا می‌کند که در اینجا شرایط مداخله‌گر نوعی دلیل تشدید این پدیده را به‌وضوح نشان می‌دهند. فرهنگ سخت و چشم و هم‌چشمی‌های هنجاری در فراهم کردن جهیزیه نقش ترمز را در حرکت به سمت ازدواج دارد. همان‌طور که دوزنبری (۱۹۴۹) در نظریه مصرف اشاره کرده است، مصرف افراد تابعی از مصرف دیگران است [۳] و این امر در چشم و هم‌چشمی‌های فراهم کردن جهیزیه به‌وفور دیده می‌شود. همچنین اظهارات سوژه پژوهش «یک خانواده می‌شناسم که پدرشون خواستگارهای دخترشون رو رد می‌کنه، چون پولی برای خریدن جهیزیه نداره، بهونه می‌آره»، نشان‌دهنده مداخله‌گر بودن وضعیت نامناسب اقتصادی و تأثیر آن بر روند ازدواج به صورت غیرمستقیم است. این یافته منطبق با نظریه انتخاب عقلانی کلمن (۱۳۷۷) است که مطابق با آن انسان‌ها عاقلانه رفتار می‌کنند و با توجه به اینکه در پی حداکثر کردن منافع فردی‌اند، رفتاری را انجام می‌دهند که سود بیشتری برای آن‌ها داشته باشد. باومن (۱۳۸۷) نیز معتقد است مردم در جامعه سیال مدرن رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سوداگرایانه با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه در پی دستیابی به سود هستند. همچنین، احساس رهایی و آزادی حاصل از دوری از خانواده و تنهایی در شهری به دور از محل سکونت و خانواده نیز نقشی مداخله‌گر در انگیزه‌های دختران بر ادامه‌دادن مجرد داشته است.

با توجه به خط داستان موضوع و جهان معنایی دختران مجرد این پژوهش، استراتژی بیشتر آنان رابطه با جنس مخالف و انتخاب سبک زندگی مدرن و غربی است. دخترانی که از برآورده شدن نیازهای خود با جنس مخالف و تجربه سبک زندگی غربی می‌گویند و مادامی که

چنین سبکی را برای زندگی انتخاب کنند شکست واقعی را نهاد خانواده و ازدواج به‌عنوان نقشی اجتماعی و بنیان‌ساز خانواده تجربه می‌کنند. کلانی کرامت (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که برتری نگرش منفی به ازدواج بر نگرش مثبت و روابط قبل از ازدواج باعث افزایش سن ازدواج می‌شود. باومن (۱۳۸۷) در نظریه عشق سیال به این امر اشاره می‌کند و پیوندهای سست و سیالیت در عشق را، که به معنای پیوندهای سست و بی‌قید به منظور دستیابی به فواید یک رابطه به دور از مشکلاتش است، از خصوصیات جامعه مدرن می‌داند. در پایان این داستان به پیامدهای مجرد و بالارفتن سن ازدواج می‌پردازیم؛ پیامدهایی که حاکی از اختلال‌های ترس و وسواس با بالارفتن سن در دختران است. هرچه سن ازدواج بالاتر می‌رود، جمود ناشی از ترس‌های شکست در ازدواج، سختی در انتخاب فرد ایدئال و به نوعی خستگی از پذیرش مسئولیت خانوادگی در این دختران ایجاد می‌شود و حاصلش بی‌انگیزگی و انزواطلبی است. تأثیر افزایش سن در به تأخیر انداختن و عدم رغبت به ازدواج در میان دختران در سایر پژوهش‌ها نیز به اثبات رسیده است [۸؛ ۹]. در پایان این پژوهش قصد داریم صرفاً به این موضوع اشاره کنیم: پدیده بالارفتن سن ازدواج می‌تواند به‌منزله یک مسئله اجتماعی شناخته شود و با همتی دلسوزانه از نهادهای فرهنگی جامعه به جد خواسته شود خیل عظیمی از مجردان جامعه را با فهمی همدلانه دریابند و با شناخت مفاهیم جدید این مسئله و به کمک نهادهای دانشگاهی در حل آن دلسوزانه اقدام کنند.

منابع

- [۱] آزاد ارمکی، محمدتقی؛ ملکی، امیر (۱۳۸۶). «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، ص ۹۷-۱۲۲.
- [۲] استراوس، آنسلم؛ جولیت کوربین (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنايي، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ ۲.
- [۳] التجائی، ابراهیم؛ عزیززاده، مینا (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان‌استانی»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۷، ص ۱-۲۳.
- [۴] ایمان‌زاده، علی؛ محمدزاده، صدیقه؛ علیپور، سریه (۱۳۹۶). «تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرنگام (مطالعه‌ای پدیدارشناختی)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، ش ۴.
- [۵] ایمان‌زاده، علی؛ فرهادی، مهلا (۱۳۹۷). «تبیین مدل ارتقای عدالت جنسیتی در جوامع اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه براساس نظریه زمینه‌ای»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، س ۹، ش ۲، تابستان ۱۳۹۷.

- [۶] باومن، زیگمونت (۱۳۸۴). *عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- [۷] جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷). *راهبرد فرهنگ*، ش ۳، ص ۳۳-۶۴.
- [۸] حبیب‌پور گنتابی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست، ش ۳۲، ص ۷-۳۴.
- [۹] حسینی، حاتم؛ گراوند، مریم (۱۳۹۲). «سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، ش اول، ص ۱۱۸-۱۰۱.
- [۱۰] خلج‌آبادی فراهانی، فریده؛ کاظمی‌پور، شهلا؛ رحیمی، علی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *خانواده‌پژوهی*، ش ۳۳، ص ۲۸-۷.
- [۱۱] خواجه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا؛ همت، صغری (۱۳۹۳). «مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی؛ مطالعه موردی جوانان شهر بندرعباس»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، س ۷، ش اول، ص ۹۴-۶۹.
- [۱۲] خیری، مرضیه؛ حاج‌آقایی، مهدی (۱۳۹۵). «بررسی آسیب‌شناختی اجتماعی بالارفتن سن ازدواج از دیدگاه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه»، س ۸، ش ۳۰، ص ۱۳۸-۱۲۵.
- [۱۳] دلخوش، محمدتقی (۱۳۹۲). «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، دوره ۹، ش ۳۶، ص ۳۳۱-۳۵۰.
- [۱۴] سرابی، حسن؛ سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲). «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی: زنان شهر زنجان»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره ۵، ش ۴، ص ۱۹-۴۲.
- [۱۵] سفیری، خدیجه (۱۳۸۵). «زنان و تحصیلات دانشگاهی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دوره ۱۵، ش ۵۶-۵۷، ص ۱۲۷-۱۰۱.
- [۱۶] سهراب‌زاده، مهران؛ پرنیان، لیلا (۱۳۹۵). «سنخ‌بندی گرایش به ازدواج در بین دختران مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۹، ش اول، ص ۱۱۴-۸۳.
- [۱۷] صادقی، رسول؛ شکفته گوهری، محمد (۱۳۹۵). «مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، س ۸، ش ۳۰.
- [۱۸] عباس‌زاده، محمد؛ نیکدل، نرمین (۱۳۹۶). «مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران، با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۸، ش ۴، ص ۵۱۶-۴۹۳.

- [۱۹] علی قنبری، بهرام؛ صالح‌زاده، مهدی (۱۳۸۷). «مقایسه میزان رضایت‌مندی از زندگی مشترک بین دانشجویانی که ازدواج دانشجویی داشته‌اند با دانشجویانی که ازدواج غیردانشجویی داشته‌اند»، فصل‌نامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، س ۳، ص ۹۹-۱۳۳.
- [۲۰] فولادی (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی»، س ۵، ش ۴، پیاپی ۲۰، ص ۷۷-۱۰۴.
- [۲۱] کاوه‌فیروز، زینب؛ صارم، اعظم (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش دختران مجرد در باب ازدواج (مطالعه شاغلان دانشگاه علوم پزشکی شیراز)»، مسائل اجتماعی/ایران، س ۸، ش ۱۱، ص ۷۴-۹۵.
- [۲۲] کلمن، جیمز سمیوئل (۱۳۷۷). بنیان‌های نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۲۳] گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۲۴] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز، چ ۳.
- [۲۵] لیتل، دانیل (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم الاجتماع. ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- [۲۶] محمدپور، علی؛ نعمت‌الله تقوی (۱۳۹۴). «عوامل اجتماعی بالارفتن سن ازدواج در دختران»، مطالعات جامعه‌شناسی، س ۵، ش ۲۰، ص ۳۹-۵۳.
- [۲۷] محمدی، علی (۱۳۹۶). «ارائه یک مدل مقدماتی از ازدواج خوشبخت: یک مطالعه کیفی»، رویش روان‌شناسی، س ۶، ش ۳، پیاپی ۲۰، ص ۱۳۵-۱۶۲.
- [۲۸] محمودیانی گیلانی، سراج (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی الگوهای ازدواج در بین زنان و مردان در شهر کرمانشاه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۲۹] مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. <https://www.amar.org.ir>
- [۳۰] مهدوی، محمدصادق؛ کلدی، علیرضا؛ جمند، بهاره (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بی‌رغبتی جوانان شهری به ازدواج (مورد مطالعه: شهر تهران)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، س ۶، ش ۱۹، ص ۳۳-۶۰.
- [۳۱] میرزایی، محمد؛ قربانی، فرزاد (۱۳۹۴). «جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایانه- فرامادی‌گرایانه و زمان‌بندی ازدواج (مطالعه موردی: مردان و زنان در شرف ازدواج استان کهگیلویه و بویراحمد)»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، س ۱۰، ش ۲۰، ص ۴۹-۷۰.

[32] Claudia Geist (2017). *Marriage Formation in Context: Four Decades in Comparative Perspective*, Department of Sociology, University of Utah, 380 S 1530 E RM 301, Salt Lake City, UT 84112, USA; claudia.geist@soc.utah.edu.

- [33] Gebel, M., & Heyne, S. (2016). "Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan". *Research in Social Stratification and Mobility*, 46, PP 61-72.
- [34] Goode, W. (1963). *World revolution and family patterns*. New York: Free press.
- [35] Inglehart, R. (2000). "Globalization and Postmodern Values", *The Washington Quarterly*, 23(1): PP 215-222.
- [36] Kelani Karamat(2016), "Perceptions on Implications of Delayed Marriage: A Case Study of Married Adults in Kuala Lumpur", *International Journal of Social Science and Humanity*, Vol. 6, No. 8, August 2016.
- [37] McDonald, P. (2006). "Low fertility and the state: The efficacy of policy" *Population and development review*, 32(3), PP 485-510
- [38] Sharp, E., & Ganong, L. (2011). "I'm a loser, i'm not married, let's just all look at me": ever-single women's perceptions of their social environment: *Journal of Family Issues* July 2011 vol. 32 no. 7 online 20 January.
- [39] Strauss, A. L. & J. Corbin (1998). *Basices of Qualititative Research*. London: Sage.
- [40] Thornton, A. (2001). "The Developmental Paradigm, Reading HistorySideways and Family Change", *Demography*, 38(4), PP 449-465.
- [41] Vishwamitra, (2013). "Astrological factors that delay the marriage of a female", <http://www.ceylontoday.lk>
- [42] Wang, Haiping ,& Abbott, A. Douglas, (2013). "Waiting for Mr. Right: The Meaning of Being a Single Educated Chinese Female Over 30 in Beijing and Guangzhou", *Women's Studies International Forum*, Volume 40, September October 2013, PP 222-229.